

جاذبه و دافعه حضرت علی

در روزگار خلافت خلیفه دوم، شخصی ادعایی نسبت به حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام داشت و بنا شد در حضور خلیفه رسیدگی شود. مدعی حاضر شد و خلیفه خطاب به امام علی علیه السلام گفت: ای ابالحسن در کنار مدعی قرار گیر تا حل دعوا کنم.



در این کتاب استاد مطهری به بیان فرازهایی از شخصیت امیر المومنین می پردازند در روزگار خلافت خلیفه دوم، شخصی ادعایی نسبت به حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام داشت و بنا شد در حضور خلیفه رسیدگی شود. مدعی حاضر شد و خلیفه خطاب به امام علی علیه السلام گفت: ای ابالحسن در کنار مدعی قرار گیر تا حل دعوا کنم. که آثار ناراحتی را در سیمای حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نگریست گفت: ای علی! از این که تو را در کنار دشمن قرار دادم ناراحتی؟ امام علی علیه السلام فرمود:

نه بلکه از آن جهت که در رفتار نسبت به ما دو نفر عدالت را رعایت نکردی نگران شدم، زیرا او را با نام صدا کردی و مرا با کینه و لقب «ابوالحسن» خواندی، ممکن است طرف دعوا نگران شود.

احترام به شخصیت انسانها
الف- عذر خواستن از پیادگان

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام سواره به راهی می رفت و جمعی از مردم کوفه برای پاس داشتن حرمت امام علی علیه السلام پیاده به دنبالش روان بودند. امام رو به آنان کرد و پرسید: آیا کاری دارید؟ پاسخ دادند: نه، دوست داریم به دنبال شما باییم.

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: برگردید، زیرا همراهی پیاده با سواره مایه ذلت و خواری پیادگان و غرور و تباهی سواره خواهد شد.

امام علی علیه السلام به بزرگ قبیله شبامیان فرمود:

«ارجع، فان مشی مثلک مع مثلی فتنة للوالی، و مذلة للمومن؛ بازگرد، که پیاده رفتن رئیس قبیله ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مومن است.

ب- نکوهش از آداب جاهلی ذلت بار

بسیاری از پادشاهان و قدرتمندان در طول تاریخ مردم را وادار می کردند که در برابرشان به خاک بیافتند، کرنش کنند، خم شوند، و انواع ذلت پذیری ها را بر خود هموار کنند. وقتی حضرت علی علیه السلام برای رفتن به صفین به شهر انبار رسید دید که مردم شهر تا امام علی علیه السلام را دیدند از اسبها پیاده شده، و در پیش روی آن حضرت شروع به دویدن کردند. حضرت علی علیه السلام علت را پرسید.

گفتند: یک رسم محلی است که پادشاهان خود را اینگونه احترام می کردیم.

امام علی علیه السلام ناراحت شد و فرمود:

«فقال: و الله ما ینتفع بهذا امرؤکم! و انکم لتشققون علی انفسکم فی دنیاکم، و تشققون به فی آخرتکم. و ما اخسر المشقة و راءها العقاب، و اربح الدعة معها الامان من النار!»

به خدا سوگند! که امیران شما از این کار سودی نبرند، و شما در دنیا با آن خود را به زحمت می افکنید، و در آخرت دچار رنج و زحمت می گردید، و چه زیانبار است رنجی که عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسایشی که با آن امان از آتش جهنم باشد.

اصلاح اجتماعی (شکست نظام طبقاتی)

بر اساس آیه ۱۳ حجرات: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، پس همه انسانها، نژادها، قبیلهها با هم برابرند.»

رسول گرامی اسلام با همه به گونه ای مساوی برخورد می کرد. اما خلیفه اول و خلیفه دوم و خلیفه سوم به سنت رسول خدا

صلی‌الله علیه و آله عمل نکردند، و انواع تبعیضات در تقسیم مدیریت‌ها، و توزیع بیت‌المال صورت گرفت که قابل چشم‌پوشی نبود.

خلیفه اول، حتی بزرگان انصار را در لشکرهای خود فرماندهی نمی‌داد و تنها ثابت بن قیس را با اصرار و اجبار به کار گماشت که انصار اعتراض کردند.

و دومی و سومی، آنقدر در زنده شدن روح نژادپرستی، افراط کردند که همه، زبان به اعتراض گشودند. یعنی عرب خود را بر غیر عرب برتری می‌داد.

بنی‌امیه همه مراکز کلیدی کشور را در زمان خلیفه دوم و به خصوص در زمان خلیفه سوم در دست گرفتند و یک نظام طبقاتی جاهلی به وجود آوردند، که شباهتی با جامعه رسول خدا صلی‌الله علیه و آله نداشت.

حضرت علی علیه‌السلام یکی از اهدافش، شکستن بافت طبقاتی ظالمانه موجود جامعه بود. موجودی بیت‌المال را مساوی تقسیم کرد، که اعتراض امتیاز خواهان بلند شد. به همه سه درهم داد و برای خودش هم سه درهم برداشت، و به آزاد کرده خودش قنبر هم سه درهم داد.

بر خلاف شیوه‌های سه خلیفه قبلی، بزرگان انصار را ولایت داد، از قریش و بنی‌هاشم هم استفاده کرد، و حتی در نشستن و برخاستن نیز چونان رسول خدا صلی‌الله علیه و آله عدالت رفتاری را رعایت کرد.

روزی اشعث بن قیس بر امام علی علیه‌السلام وارد شد، دید که حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام در میان عرب و غیر عرب از نژادهای گوناگون نشست است و جای خالی برای او نیست، با ناراحتی به امام علی علیه‌السلام اعتراض کرد که: ای امیرمومنان، سرخ‌پوست‌ها بین ما و تو فاصله انداختند.

حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام خشمناک شده، به او فرمود: چه کسی مرا بر این آدم‌های چاق و فربه یاری می‌دهد؟ و نپذیرفت که ایرانیان و غیر عرب پراکنده شوند، تا اشعث و دیگر بزرگان عرب در کنار امام علی علیه‌السلام بنشینند.

و در تقسیم مساوی بیت‌المال به حضرت علی علیه‌السلام اعتراض کردند و گفتند:

آیا این عدالت است که بین ما و آنان که با شمشیر ما مسلمان شدند یا بنده آزاد شده ما هستند، یکسان عمل کنید و به همه سه درهم بدهید؟

عدالت نسبت به کودک سقط شده دشمن

چون لشکر بصره پس از شکست در جنگ جمل فرار کردند و به شهر هجوم می‌بردند، زنی حامله از فریادها و هیاهوی فراریان، به شدت ترسید و بچه او سقط شد. پس از مدتی کوتاه آن زن نیز فوت کرد.

وقتی خبر به امام علی علیه‌السلام رسید، ناراحت شده، چنین قضاوت کرد: دیه آن کودک و دیه آن مادر را از بیت‌المال به خانواده‌اش بپردازید.

با این که مردم بصره از شورشگرانی بودند که با امام علی علیه‌السلام جنگیدند، چنین قضاوت عادلانه‌ای عقل‌ها را به شگفتی وامی‌دارد.